روزنه

انتقاد کواکبیان از رد صلاحیت ۱۰۰ نامزد اصلاح‌طلب

● **ایرنا:** مصطفی کواکبیان در جلسه مشترک شورای هماهنگی جبهه اصلاحات و هیئت‌رئیسه فراکسیون امید مجلس شورای اسلامی با اشاره به رد صلاحیت حدود صد نفر از اصلاح‌طلبان ازسوی هیئت‌های اجرائی در سراسر کشور، گفت: «حتما پیگیر این موضوع هستیم و از هیئت‌های نظارت شورای نگهبان می‌خواهیم با بی‌طرفی کامل و رعایت عدالت و قانون نگذارند هیچ حقی از داوطلبان انتخابات مجلس یازدهم تضییع شود».دبیرکل حزب مردم‌سالاری در ادامه این نشست با بیان اینکه ما در انتخابات به‌دنبال ارائه لیست واحد هستیم، تأکید کرد: «در شرایطی که عده‌ای از عناصر افراطی با ایجاد جنگ روانی به‌دنبال مأیوس‌کردن مردم از حضور در عرصه انتخابات هستند، تنها راه عقلانی برای سیاست‌ورزی در شرایط کنونی انسجام درونی و اتحاد همه احزاب اصلاح‌طلب است و هرکسی در چنین شرایطی از یأس و ناامیدی و تفرقه و اختلاف دم بزند، قطعا نمی‌تواند خودش را همراه جبهه اصلاحات بداند و می‌دانیم که مجلس دهم باوجود خدمات فراوان دچار ضعف‌هایی هم بوده است که به‌دلیل نداشتن اکثریت پارلمانی فراکسیون اصلاح‌طلبان نباید این ضعف‌ها را به پای اصلاحات نوشت».او افزود: «هرچند اعضای این فراکسیون کارنامه جداگانه‌ای از عملکرد مثبت در طول مجلس دهم داشته‌اند، اما در جمع‌بندی مجموع عملکرد فراکسیون نیز ما به نتایج مثبتی خواهیم رسید. عضو هیئت‌رئیسه فراکسیون امید مجلس با اشاره به ده‌ها طرح قانونی و چندین مورد از تحقیق و تفحص و سؤال از وزرا و تذکرات کتبی و شفاهی و پیگیری امور مردم قول داد در نشست دیگری با حضور هیئت‌رئیسه مجمع نمایندگان تهران گزارش کاملی از عملکرد نمایندگان تهران مطرح شود». در این نشست علاوه بر محمدرضا عارف، سایر اعضای هیئت‌رئیسه فراکسیون امید نیز گزارشی از عملکرد این فراکسیون ارائه دادند و در پایان تعدادی از دبیران کل احزاب دیدگاه‌های خود را در زمینه عملکرد مجلس دهم و فراکسیون امید و همچنین نحوه هماهنگی برای فعالیت مربوط به انتخابات مجلس یازدهم ارائه دادند.

علی صوفی:

نارضایتی از اصلاح‌طلبان به معنای افزایش رأی اصولگرایان نیست

● **نامه‌نیوز:** علی صوفی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، باور دارد که تصور اینکه اصولگرایان پیروز قطعی انتخابات هستند، غیرواقعی است و نارضایتی مردم به این معنا نیست که رأی اصولگرایان بیشتر از جبهه اصلاحات خواهد بود. او در تحلیل فضای انتخاباتی فعلی به «نامه‌نیوز» گفت: «اصولگرایان با یک نگاه خوش‌بینانه خود را در مسیر پیروزی می‌بینند درصورتی‌که این نگاه غیرواقعی است. آنها با چنین باوری تدارک یک جنگ روانی علیه اصلاح‌طلبان را دیده‌اند و سعی می‌کنند با این حربه مردم را بیش از پیش از انتخابات دلسرد کنند. به‌هرحال انکارناپذیر است که اکنون متأسفانه به دلیل حوادث آبان‌ماه موج نارضایتی به‌شدت تشدید شد و مردم انتظاری که از دولت داشتند برآورده نشد. مردم به وعده‌های آقای روحانی دست نیافتند و به این دلیل نسبت به عرصه سیاسی دلزده شده‌اند. مردم با یک رأی قاطع آقای روحانی را انتخاب کردند اما هرچه زمان پیش رفت، دولت بی‌عمل‌تر شد. فراکسیون امید مجلس هم زیر سؤال است که چرا نتوانست آن‌طور که باید خواسته‌های رأی‌دهندگان را محقق کند. به چنین دلایلی گرایش مردم به صندوق رأی کم شده است و این موضوع هم به اصولگرایان و هم به اصلاح‌طلبان بازمی‌گردد؛ یعنی اصولگرایان نمی‌توانند تصور کنند که چون مردم از روند دولت رضایت ندارند، پس به آنها رأی می‌دهند». صوفی ادامه داد: «اصولگرایان همواره حاشیه امنی داشته‌اند و آن تأیید صلاحیت توسط شورای نگهبان بوده است و همیشه از ابتدا می‌توانند پیش‌بینی کنند که چه تعداد نامزد در کدام حوزه‌های انتخابیه خواهند داشت، اما اصلاح‌طلبان از این شرایط محروم‌اند و همواره دغدغه ردصلاحیت دارند و نمی‌توانند برای خود انتخابات را پیش‌بینی کنند. اکنون انتظار آن است که شورای نگهبان برای افزایش مشارکت مردم در انتخابات تعداد زیادی از اصلاح‌طلبان را تأیید صلاحیت کند تا مردم قدری به انتخابات امیدوار باشند. از سوی دیگر، این احتمال وجود دارد که در آینده نزدیک توافق‌های بین‌المللی رخ دهد که نتایج مثبت آن در انتخابات هم نمایان شود». او در پاسخ به این پرسش که آیا ناامیدی مردم از دولت و حتی جبهه اصلاحات باعث افزایش رأی اصولگرایان می‌شود یا خیر، اظهار کرد: «خیر، به‌هیچ‌وجه کاهش سبد رأی اصلاح‌طلبان به معنی افزایش سبد رأی اصولگرایان نیست. هر دو جریان سیاسی اصلاح‌طلب و اصولگرا عملکردهایی داشته‌اند و مردم آنها را قضاوت می‌کنند... مطالبات افرادی که به روحانی رأی داده‌اند، به‌هیچ‌وجه در پایگاه اصولگرایی یافت نمی‌شود؛ بنابراین در شرایطی که مردم از دولت روحانی رضایت ندارند، قطعا به اصولگرایان رأی نخواهند داد و در چنین شرایطی به سمت تحریم می‌روند».

تحریف تاریخ به روایت دبیرکل مؤتلفه؛ از کارنامه حزب جمهوری اسلامی تا میزان حقوق مهندس بازرگان

تکذیب ادعاهای بادامچیان

عکس: مهدی حسنی

تحریف تاریخ با روایت دبیرکل مؤتلفه؛ می‌خواهد جناح چپ حزب جمهوری باشد یا مهندس بازرگان و نهضت آزادی، ادعای حقوق ۲۰ هزارتومانی باشد یا گرته‌برداری از کمیته اجرائی حزب کمونیست شوروی! اسدالله بادامچیان آن‌گونه از گذشته صحبت می‌کند که یا اصلا وجود نداشته یا با این غلطی که عضو مؤتلفه روایت می‌کند، نبوده است؛ آن هم در شرایطی که چهره‌های مؤسس و اصلی هر دو جریان حزب جمهوری اسلامی و نهضت آزادی درگذشته یا به دلایلی، در دسترس نیستند. این فقدان وقتی در کنار تریبون جناحی قرار می‌گیرد بهانه خوبی است برای ادامه کشمکش‌ها و استفاده‌های سیاسی و حتی شخصی از تاریخ توسط چهره‌هایی که در آن زمان به‌طور مشخص در نقش اصلی بازی نمی‌کردند.

تحریف کارنامه حزب جمهوری اسلامی

اسدالله بادامچیان، دبیرکل فعلی حزب مؤتلفه، در برنامه این هفته سرچشمه با موضوع کارنامه حزب جمهوری اسلامی برای چندمین‌بار روایت خاص خود را از رخدادهای آن سال‌های حزب که منجر به تعطیلی آن شد، ارائه کرده است. روایت‌هایی که در آن حضور «من» بادامچیان در مرکز ثقل رخدادها و تصمیمات بسیار قوی است. دبیرکل فعلی مؤتلفه تاریخ را آن‌طور روایت می‌کند و نتیجه می‌گیرد که امروز موردپسند هم‌جناحی‌هایش است. بادامچیان اختلافات فکری و عقیدتی بین دو جناح اصلی آن روز حزب جمهوری اسلامی را بدل به مناقشه‌ای حیثیتی می‌کند؛ تا جایی که با انتقاد چهره‌هایی مانند مسیح مهاجری و فرشاد مؤمنی، از چهره‌های متعلق به جناح چپ حزب جمهوری اسلامی، روبه‌رو شده است. او هر وقت می‌خواهد از خاطراتش از حزب جمهوری اسلامی بگوید، حملات تندی به نخست‌وزیر وقت می‌کند. مثلا گفته است: «من آقای موسوی را از قبل از انقلاب قبول نداشتم. عللتش هم این بود که ایشان یک سیلی برای انقلاب نخورده بود و قدری مشکوک بود که چطور یک نفر بعد از انقلاب از آمریکا می‌آید و این‌طور موقعیت پیدا می‌کند. ایشان چند کتاب داشت که در آنها افکار التقاطی و چپ کاملا مشخص بود... خانم ایشان هم چند کتاب داشت که آنها هم التقاطی بود. احمدآقا به من زنگ زد که امام از ایشان به‌شدت ناراحت است. از همان موقع که من احساس کردم امام به نوشته‌های ایشان حساس است، به موسوی تردید کردم. ایشان وقتی وارد واحد سیاسی حزب شد کوشید آنجا را پولیت بورو (کمیته اجرائی شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی) بکند... وقتی دانشجویان لانه را گرفتند کسی جرئت نداشت حمایت کند. ظهر همان روز به آقای بهشتی گفتم این دوستان تشکل‌های نیروهای انقلاب را جمع کنید تا از تسخیرکنندگان لانه حمایت کنند. اما هیچ‌کدام از تشکل‌ها حاضر نشدند از تسخیر لانه حمایت کنند... آقای موسوی دریافته بود که قدرت دست حزب افتاده است و جناح آنها هم قدرتی ندارد؛ لذا رفتند تا ۱۵ نفر از مجاهدین انقلاب را بیاورند و به حزب اضافه کنند تا بتوانند حزب را در دست بگیرند. اما کار آنها به بن‌بست خورد... آقای هاشمی گفت امام از اختلاف‌نظرهای داخل حزب ناراضی است. گفتم امام از میرحسین و دارودسته‌اش ناراضی است؟ آقای هاشمی گفت نخواه که از من بله بگیری. گفتم حالا که مشخص شد مشکل چه کسانی هستند بیایید اینها را از حزب کنار بگذاریم. آقای هاشمی گفت نمی‌شود اگر اینها را از حزب کنار بگذاریم می‌گویند حزب جمهوری اسلامی شده حزب آخوندها. گفتم اجازه بدهید مؤتلفه از حزب بیرون بیاید گفت اگر شما کنار بروید حزب باقی نمی‌ماند...».

فرشاد مؤمنی، مسئول شاخه دانشجویی حزب جمهوری اسلامی، چندی قبل در واکنش به این نوع اظهارنظرهای بادامچیان گفته بود: «یکی از گرفتاری‌های بزرگ امروز این است که کسانی فرصت‌طلبانه و به‌دروغ چیزهایی را مطرح می‌کنند. مثلا چیزهایی که امروز آقای بادامچیان مطرح می‌کنند، بیش از حد کینه‌جویانه و اغلب نادرست و بعضا دروغ است. من بسیار برای ایشان متأسفم که در این سال‌های آخر عمرشان با هر دلیل و انگیزه‌ای خودشان را در چنین مسیری می‌اندازند. آن حرف‌هایی که ایشان درباره شهید آیت و جهت‌گیری‌های حزب جمهوری اسلامی می‌زنند، همه آزادانه و به لطف مدیریت شهید بهشتی مطرح می‌شد. شهید آیت هم با اینکه اشکالات جدی در زمینه رفتار داشتند و خیلی گزنده و بی‌پروا صحبت می‌کردند، اما درعین‌حال بسیار مورد احترام بودند و با موازین موردنظر شهید بهشتی، هم به مطالب ایشان توجه و هم تصمیم‌گیری می‌شد. آقای بهشتی بعد از اینکه همه مطالب شهید آیت را شنیدند، آقای مهندس موسوی را به قائم مقامی خودشان منصوب کردند و آقای بادامچیان متأسفانه حرف‌های بی‌ضابطه و سستی می‌زنند. اینکه شهید بهشتی هر بار، پس از هر اعتراضی که امثال آیت یا بادامچیان به مهندس موسوی می‌کرد، یک جایگاه والاتر برای ایشان درنظر می‌گرفتند، امری قطعی است؛ مثلا وقتی ایشان مسئول روزنامه جمهوری اسلامی بودند در اولین موج حملاتی که از طرف این افراد درباره مواضع روزنامه مطرح شد وقتی شهید بهشتی کاملا رسیدگی کردند، مسئولیت دفتر سیاسی حزب را هم به موسوی دادند. آقای بادامچیان و امثال ایشان اگر می‌توانند این واقعیت را انکار یا تکذیب کنند. در موج بعدی که باز اینها حملاتی به ایشان کردند، شهید بهشتی مهندس موسوی را قائم مقام دبیرکل کردند و خیلی باعث تأسف است که افراد می‌آیند و وارونه‌سازی تاریخ و دروغ‌سازی‌های شگفت‌انگیز را در دستور کار خود قرار می‌دهند...».

مؤمنی در ادامه گفته است: «من در صحبت‌های آقای عسگراولادی، انصاف بسیار بالاتری در مقایسه با بقیه اعضای مؤتلفه می‌دیدم؛ یعنی ایشان این‌طور نبود که مثل آقای بادامچیان یا شهید آیت مطلق‌انگارانه همه حق را به یک جانب بدهند و آن طرف دیگر را مطلق باطل به حساب بیاورند. آقای عسگراولادی این‌گونه فکر نمی‌کردند؛ درحالی‌که در میان مؤتلفه‌ای‌ها کسانی بودند که مثل ایشان فکر می‌کردند و کسانی هم بودند که مثل امثال بادامچیان فکر می‌کردند. آن موقع به تمایلاتی که در روزنامه جمهوری اسلامی در دفاع از خدمات دکتر مصدق وجود داشت، از سوی آن طیف مطلق‌انگار خیلی حمله می‌شد. مکرر پیش آمد که حتی پیش از موضع‌گیری شهید بهشتی امثال حاج حبیب‌الله عسگراولادی موضع می‌گرفتند و خودشان به گواه حضوری که در صحنه داشتند، جزئیاتی را نقل می‌کردند که در دوروبر آقای کاشانی ضعف‌ها اگر بیش از دوروبر آقای دکتر مصدق نباشد، کمتر هم نیست».

مسیح مهاجری، عضو وقت شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی و مدیرمسئول روزنامه جمهوری اسلامی، هم درباره نحوه روایت‌کردن آن اختلافات گفته است: «درباره کسی که گرفتار مشکل!! شده و نمی‌تواند جواب بدهد، این‌جور حرف‌زدن خلاف اخلاق است». او در ادامه هم گفته بود: «به نظر من فارغ از اصول یا اصلاح‌گرایی، واقع‌گرایی باید کرد؛ مثلا ما در عین اینکه از آقای موسوی حمایت می‌کردیم، در همان دهه ۶۰ یا در دهه ۸۰ (در انتخابات ریاست‌جمهوری) اما هم آن زمان و هم در ماجرای اخیر، انتقاداتی به ایشان داشته‌ام، دارم و آنها را در قالب نامه‌هایی به اطلاع خود او رسانده‌ام؛ اما این جایز نیست که تا کسی افتاد، به او حمله‌های نامشروع کنیم...». او درباره نقدهای جریان حامی اقتصاد بازار آزاد در حزب جمهوری اسلامی که مشخصا جریان مؤتلفه و نزدیکان فکری آنهاست، هم گفته بود: «آنهایی که دنبال منافع و مصالح مالی و اقتصادی خود بودند، بر اقتصاد بازار آزاد تأکید داشتند. به نظر من انتقادات و بهانه‌های مخالفان از سیر منافع مادی و مالی‌شان بود. الان هم بسیاری را می‌بینیم که طیف‌ها یا جریان‌های سیاسی دیگر خیلی از بزرگان را به آمریکاگرایی در گذشته متهم می‌کنند و حاضرند برای رسیدن به قدرت، تاریخ را تحریف کنند».

اساس اختلاف‌ها در حزب جمهوری اسلامی، ناشی از وجود دو جناح نیرومند بود که نماینده جریان اول میرحسین موسوی و نماینده جریان دوم اعضای جمعیت مؤتلفه بودند. با بررسی خاطرات هاشمی‌رفسنجانی، پیداست که در بسیاری از جلسات حزب جمهوری اسلامی، اختلافاتی مطرح می‌شده که عموما سخنگوی جریان اول میرحسین موسوی و مسیح مهاجری و سخنگوی جریان دوم بادامچیان و مرحوم امانی بوده‌اند؛ اما نکته مهم این است که این اختلافات امروز بدل به سوءاستفاده یک جناح برای تسویه‌حساب‌های سیاسی شده است. هاشمی چهاردهم شهریور ۱۳۶۱ می‌نویسد: «جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری] داشتیم. وقت را صرف انتقاد دو جناح از یکدیگر کردیم. آقای مهندس [میرحسین] موسوی و آقای [مسیح] مهاجری از یک طرف و آقای [اسدالله] بادامچیان و آقای [سعید] امانی از طرف دیگر صحبت کردند.

ادعای حقوق ۲۰ هزارتومانی مهندس بازرگان

بادامچیان یک روز پیش‌تر هم در گفت‌وگو با روزنامه جوان مدعی شد: «مهندس بازرگان با ثروت عظیم خود حقوق نخست‌وزیری زمان شاه را که ۲۰ هزار تومان بود، گرفت؛ اما رجایی وقتی آمد، گفت چرا این‌قدر زیاد بگیریم و حقوق خودش و وزرایش را چهارهزارو ۳۰۰ تومان کرد!». دبیرکل مؤتلفه وقتی تاریخ حزبی را که خودش زمانی عضو آن بوده، این‌طور مخدوش روایت می‌کند، تکلیف جریانی که از همان ابتدا با آن سر ناسازگاری داشته، مشخص است. ادعای بادامچیان در حالی است که مهندس بازرگان در دوره نخست‌وزیری، حقوق بازنشستگی دانشگاه تهران را دریافت می‌کرده است و اساسا حقوقی بابت نخست‌وزیری نمی‌گرفته که ۲۰ هزار تومان باشد یا کمتر! در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۸ مدیریت موقت دانشگاه تهران در نامه‌ای به مهندس مهدی بازرگان به‌عنوان «استاد دانشکده فنی» و نه «نخست‌وزیر» به او اطلاع می‌دهد: «در اجرای لایحه قانونی آثار محکومیت‌های سیاسی مصوب شورای انقلاب اسلامی بدین‌وسیله ابلاغ تعلیق از خدمت جناب‌عالی موضوع حکم..... تاریخ ۴۲.۵.۱۳ لغو می‌گردد و از تاریخ ۴۲.۵.۹ با سمت استادی دانشکده فنی ابقا می‌شوید و ماهی ۲۵ هزار ریال حقوق پایه ۱۰ استادی جناب‌عالی از تاریخی که قطع شده بود، از محل اعتبارات مربوطه پرداخت خواهد شد».روابط عمومی خصوصیات اخلاقی و پاک‌دستی و شفافیت را داشتند. به‌عنوان نمونه آقای دکتر محمدحسین بنی‌اسدی که با دولت موقت همکاری داشتند و از جمله پایه‌گذار نهاد جهاد سازندگی بودند، هیچ‌گونه حقوقی مطالبه نکردند و در پایان که چکی در وجه ایشان صادر شد، به مؤسسه خیریه‌ای اهدا کردند. همچنین حقوق شهردار تهران که پیش از انقلاب ۳۰ هزار تومان بود که با مزایای دریافتی به مبلغ بالای ۱۰۰ هزار تومان می‌رسید، آقای مهندس توسلی و معاونان ایشان در دوران خدمات در شهرداری تهران حداکثر ۱۰ هزار تومان دریافت می‌کردند. در پایان لازم به ذکر است، با وجود اختلاف سلیقه‌های سیاسی شدیدی که بسیاری با مواضع مهندس بازرگان داشتند، در فرصت‌های مختلف به‌طور حضوری یا رسانه‌ای از ایشان حلالیت طلبیده‌اند و تاکنون هیچ‌کسی درباره مسائل اخلاقی و مالی اتهامی به ایشان و همکارانشان وارد نکرده است».

نهضت آزادی ایران برای اثبات کذب‌بودن ادعاهای بادامچیان نامه‌ای را منتشر کرد که در آن مهندس بازرگان خطاب به دکتر ملکی، رئیس موقت وقت دانشگاه تهران نوشت: «جناب آقای دکتر ملکی، مدیریت موقت دانشگاه تهران، موضوع: حقوق بازنشستگی عطف به نامه ۱۶۸۲۳۷ مورخ ۱۳۵۷/۲/۸ بدین‌وسیله مراتب تأیید و تشکر خود را نسبت به مندرجات آن ابراز می‌دارم و ضمنا ترجیح می‌دهد به‌جای حقوق نخست‌وزیری از حقوق بازنشستگی (از تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۲۲ استفاده نمایم. حساب جاری شخصی قدیمی این‌جانب به شماره۲۶۹۰۴ در بانک بازرگانی ایران شعبه مرکزی است، ولی چنانچه لازم باشد حساب مخصوصی در بانک ملی ایران شعبه دانشگاه داشته باشم، حسابداری دانشگاه دستور و ترتیب آن را لطفا بدهند. با احترام و امتنان، مهدی بازرگان». همچنین در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۸ مدیریت موقت دانشگاه تهران در نامه‌ای به مهندس مهدی بازرگان به‌عنوان «استاد دانشکده فنی» و نه «نخست‌وزیر» به او اطلاع می‌دهد: «در اجرای لایحه قانونی آثار محکومیت‌های سیاسی مصوب شورای انقلاب اسلامی بدین وسیله ابلاغ تعلیق از خدمت جناب‌عالی موضوع حکم ۱۶۸۴۰- ۱۳۴۲/۵/۱۳ لغو می‌گردد و از تاریخ ۱۳۴۲/۵/۹ با سمت استادی دانشکده فنی ابقا می‌شوید و ماهی ۲۵هزار ریال حقوق پایه ۱۰ استادی جناب‌عالی از تاریخی که قطع شده بود از محل اعتبارات مربوطه پرداخت خواهد شد».

الو شرق ۸۸۹۴۸۲۷۳

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **قابل توجه شهردار گرگان!** عده‌ای از پابندی‌ها محوطه پاسرو گرگان را به افرادی که مغازه ندارند اجاره می‌دهند و آنان با ایجاد سد معبر، مانع رفت‌وآمد عابران و ساکنان می‌شوند. چرا شهردار گرگان به بازار روز پاسرو و نعلبندان که کم‌عرض است و رفت‌وآمد مردم را با مشکلات فراوانی مواجه کرده، رسیدگی نمی‌کند؟

قاصدآبادی

● **میدان امام خمینی(ره) را دریابید:** میدان امام خمینی(ره) تهران به دلیل طرح‌های غیراصولی، رانندگی را سخت و غیر قابل تحمل کرده است. چرا هیچ‌کس به فکر این مکان که مرکز شهر تهران محسوب می‌شود، نیست؟ شهرداری مرکزی در خیابان بهشت و در چند قدمی میدان امام خمینی(ره) است؛ آیا شهردار تهران مشکلات این محل را ندیده است؟

اکبر از تهران

● **آش جاده‌ای!** هنگام سفر در برخی جاده‌ها عده‌ای را مشاهده می‌کنیم که اقدام به طبخ و فروش آش می‌کنند، اما مشخص نیست از لحاظ کیفیت و بهداشت و خرید و صرف آنها آیا خطری مشتریان را تهدید نمی‌کند؟ بجاست مسئولان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی هر شهر بر آش‌های جاده‌ای نظارت و کنترل لازم را انجام دهند تا مبادا مشکلی برای مشتریان به وجود آید.

فریبا کساییان از فیروزکوه

● **بی‌خانمان‌ها را دریابید!** زمستان هم از راه رسید و بی‌خانمان‌ها و بی‌مکان‌ها بیشتر در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار خواهند گرفت. امیدواریم مسئولان سازمان بهزیستی و شهرداری در فصل سرد زمستان بیشتر به فکر بی‌خانمان‌ها باشند.

معین براتی از بروجرد

● **بی‌کفایتی برخی مدیران خوزستان:** روزهای گذشته که در استان خوزستان باران بارید، پس از باران در «کوت‌عبدالله» با خروج فاضلاب‌های شهری و راه‌یافتن به خانه‌های مردم، مشکلات فراوانی برای ساکنان شهرستان کارون و به‌ویژه شهر کوت‌عبدالله ایجاد شد. مردم اهواز مجبور شدند با خودروی آتش‌نشانی یا قایق رفت‌وآمد کنند! خانه‌هایی با فاضلاب پر شد و هیچ‌یک از مسئولان هم به فکر رفع مشکلات مردم این شهرها نیستند! چه کسی پاسخ‌گوی بی‌کفایتی مدیران خوزستان است؟

عادل عبدالخانی از اهواز